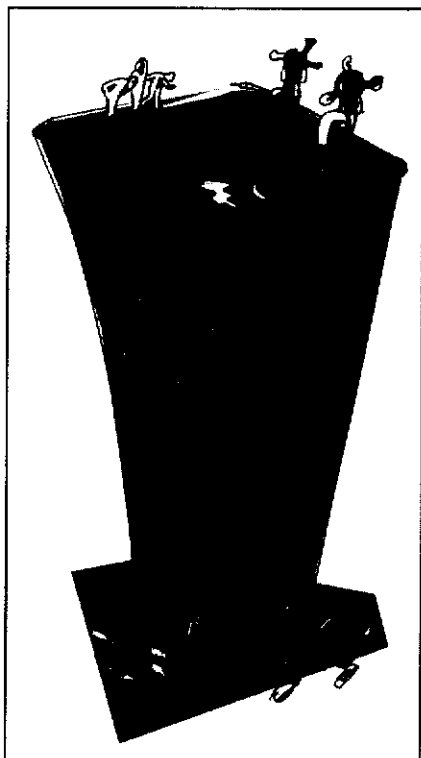


تغییر شیوه یارانه‌دهی: باز هم از چاله به چاه؟

بسیارترین روش کمک به گروه‌های
ضعیف‌تر، افزایش میزان دستمزدها
در بخش‌ها در حدی است که قدرت واقعی
خرید را به آنها بازگرداند



مشکل کمیابی مواد حیاتی را حل، و از خرابکاری و اخلاص مخالفان جلوگیری کرد.

۲- مرحله دوم در سالهای اول جنگ پیش آمد.

اینک، با وجود جنگ، کمیابی کالاهای حیاتی و تنگنای آنها وجود نداشت، چون همه گونه کالا وارد می‌شد و کارخانه‌ها و کارگاه‌های داخلی نیز به کار افتاده بودند و خوشبختانه محصولات کشاورزی نیز برای تأمین نیازهای کشور کافی بود. قاعدتاً باید جیره‌بندی و توزیع یارانه پایان می‌یافت. اما اینگونه نشد و همان روش کماکان ادامه یافت. زیرا از یک سو مخارج لازمه جنگ و علل دیگر موجب افزایش بی‌تناسب نقدینگی و تورمی بطور میانگین در حدود ۲۰ درصد در سال شده بود و از سوی دیگر، دولت مزد کارگران و حقوق کارمندان و مستمری‌بگیران را ثابت نگاه داشته و متناسب با نرخ تورم، بر آن نیفزوده بود. لذا برای جبران آن و راضی نگاه داشتن این توده وسیع محروم به استمرار توزیع یارانه و پخش کالاهای حیاتی به بهای پیش از جنگ و تورم متوسل شدند. اینجا دولت باید در روش توزیع یارانه تجدیدنظر می‌کرد و آن را به طور عادلانه‌ای تغییر می‌داد. اما این کار را نکرد و همچنان به همه طبقات، چه آنها که از تورم

اسلامی آغاز شد. علت برقراری آن کمیابی بسیاری از مواد ضروری برای مردم و تنگنایی بود که در عرضه این کالاها پدید آمده بود. این تنگناها معلول عواملی بود که عمدتاً ناشی از جریان انقلاب در سال ۱۳۵۷ و استقرار دولت موقت بودند، مانند اعتصاب طولانی تمام کارگاه‌ها و مؤسسات تولیدی، به ویژه پالایشگاه‌ها، بسته ماندن بازار به مدت چند ماه، اعتصاب کارکنان ادارات به ویژه گمرک و وزارت دارایی و بانک مرکزی که موجب اختلال در واردات کالاهای ضروری شده بود، بعضی اشتباهاتی که در آغاز تشکیل دولت موقت صورت گرفت مانند سوزاندن مقدار هنگفتی گوشت یخ‌زده که از خارج وارد شده بود (به روایتی ۲۵۰ هزار تن!) و نظایر آن.

یک چنین کمیابی در موجودی و عرضه مواد لازم برای زندگی، جیره‌بندی آن را مسلم و گذشت‌ناپذیر می‌ساخت. طبیعی است جیره‌بندی و توزیع کالاهای ضروری، مانند همه جای دنیا در چنین مواردی، باید عام و براساس برابری و نیاز تمام قشرهای مردم صورت می‌گرفت. توزیع یارانه و کالا برک (کوپن) برحسب تعداد افراد هر خانواده، روی هم‌رفته درست و مفید بود و تا حدی

دکتر انور خامه‌ای

بنا بر اظهار مقامات اقتصادی، دولت در نظر دارد در روش توزیع یارانه تجدید نظر اساسی کند و ضوابط جدید را برای تصویب و اجرا در سال ۱۳۸۱ به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد. علت اصلی این تجدیدنظر، نقایص فراوانی است که در روش کنونی توزیع یارانه وجود دارد. هدف ما در این گفتار بررسی این نقایص، علل پیدایش آنها و کوشش برای ارائه روش توزیع دیگری است که خالی از این نقایص باشد. اما نخست نگاهی به جریان ایجاد یارانه و تحول آن در دوران جمهوری اسلامی ایران می‌افکنیم، چون برای ریشه‌یابی نقایص مزبور لازم است.

از هنگام برقراری توزیع یارانه در نخستین سالهای پس از انقلاب اسلامی تا امروز، گرچه روش آن ظاهراً کم‌وبیش یکسان مانده است، سه مرحله متفاوت را می‌توان تشخیص داد که هم از نظر ماهیت و هم از لحاظ نتایج با هم فرق فاحش داشته‌اند. ما این سه مرحله را با توجه به ماهیت و نتایج هر کدام در زیر شرح می‌دهیم:

۱- نخستین مرحله کمی پس از پیروزی انقلاب

خرج کند که نقایص پیش گفته را نداشته باشد و تأثیر محسوسی بر زندگی کارگران، کارمندان و مستمری‌بگیران بگذارد، باید سطح درآمد امزد، حقوق و مستمری، هر یک را به حدی برساند که معادل ارزش درآمد آنها در سال ۱۳۵۷ یا سال پیش از آن باشد؛ به عبارت دیگر درآمد آنها در آن سال ضرب در تورمی که در این ۲۲ سال روی داده است، تازه این کار هم جبران تمام خسارتی را که آنها در این مدت دیده‌اند، نمی‌کند. چون اولاً اگر انقلاب به فرض محال صورت نمی‌گرفت و کشور روند طبیعی خود را ادامه می‌داد. وضع آنها ثابت نمی‌ماند، ترفیع می‌گرفتند، موقعیت بهتری بقدر استعدادشان می‌یافتند، می‌توانستند از درآمد خود بخشی را ذخیره و سرمایه‌گذاری کنند که طبعاً بر درآمد آنها می‌افزود و غیره. ثانیاً سطح حداقل رفاه در این ۲۲ سال در جامعه تغییر کرده و توقع یک انسان سالم از آن افزایش یافته است. لوازم زندگی نوی در این مدت پدید آمده و جزو ضروریات زندگی شده است، مانند داشتن مسکن مستقل (حداقل یک آپارتمان ۵۰ متری)، داشتن وسیله نقلیه خصوصی، داشتن ویدئو، رایانه و حتی اینترنت و غیره. فرد ایرانی حتی با گرفتن مزد یا حقوقی معادل آن زمان به هیچ کدماً از این توقعات دست نمی‌یابد و با معیار کنونی زندگی، هنوز خود را محروم تصور خواهد کرد.

ممکن است بگویند با بودجه کنونی یارانه‌دهی چنین کاری امکان‌پذیر نیست و مبلغی چند برابر آن را می‌طلبد. پاسخ آن این است که باید از مخارج زائد فراوانی که در بودجه دولت و موسسات دیگر هست، کاست و کسانی را که از چند محل حقوقی یا مزد می‌گیرند حذف کرد و دستگاههای موازی را یک کاسه کرد و مهم‌تر از همه بازده کار کارگران و کارمندان را در برابر افزایش درآمدشان بالا برد.

از توزیع، می‌شد در پشت شیشه سوپره‌های کوچک و بزرگ به مقدار زیاد مشاهده کرد) و نه ثابت ماندن مزدها و حقوق‌ها را در برابر تورم می‌شد دلیلی برای آن آورد. در نتیجه توزیع یارانه نیاز به توجیه نوینی به نام «فقرزدایی» پیدا کرد؛ کسانی که کوپن قند و شکر ۹ تومانی را به عنوان تعادلی، یعنی نه دولت ضرر زیادی متحمل شود و نه «محرومان» بی «کمک» بمانند، (نه سیخ بسوزد و نه کباب) به ۱۲۰ تومان رسانده بودند، ادعا می‌کردند که با توزیع یارانه به این نحو با فقر و محرومیت در جامعه مبارزه می‌کنند!! اما حقیقت این است که دیگر هیچ کس جز کوپن خران، از این یارانه‌دهی احساس رضایتی نمی‌کرد، در حالی که مبلغ سرسام‌آوری (به یک روایت ۸۰ هزار میلیارد ریال در سال) برای دولت هزینه داشت!

اکنون ببینیم چه راه‌کارهایی به عنوان جانشین این یارانه‌دهی می‌توان یافت که نقایص آن را نداشته باشد. این راه‌کارها بستگی به آن دارد که از آن رسیدن به چه هدفی را، دنبال می‌کنیم. اگر هدف دولت واقعاً فقرزدایی و رفع محرومیت و بی‌عدالتی در کل جامعه باشد، مسلماً با یک طرح توزیعی و اختصاص مبلغی حتی چند برابر هزینه کنونی یارانه‌دهی، میسر نیست و نیاز به یک تحول ساختاری بنیادی دارد. در جامعه‌ای که به گفته آقای رئیس‌جمهور در یکی از نخستین سخنرانیهایش دهک بالای آن درآمدی بیست برابر دهک پائین دارد و تمام ثروت و سرمایه خصوصی کشور در انحصار یک هزارم جمعیت است و در همین تهران هزاران نفر حتی سرپناهی ندارند و در این زمستان سرد باید شبها در کوچه‌ها و خیابان‌ها بی‌توته کنند، سخن از فقرزدایی گزافه‌ای بیش نیست.

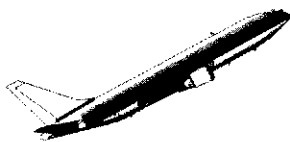
اما اگر هدف این است که همین مبلغی را که اکنون دولت صرف یارانه‌دهی می‌کند با روشی

زیان دیده و چه آنها که از آن سود برده بودند، به یکسان یارانه می‌داد. کارگران، کارمندان، بازنشستگان و مستمری‌بگیرانی که عملاً ارزش درآمدشان صد در صد کاهش یافته بود همان اندازه یارانه دریافت می‌کردند که پیشه‌وران، کارفرمایان و واسطه‌هایی که از تورم سود برده و درآمدشان چندین برابر شده یا حداقل کاهش نیافته بود. و این خلاف عدل و قسط بود. افزون بر این، ادامه آن روند موجب پدیده‌ای شد که هم از نظر اقتصادی منحرف و هم خلاف شئون اجتماعی ما بود، یعنی کوپن خری و کوپن‌فروشی. پس از جنگ جهانی دوم در بسیاری از کشورها جیره‌بندی وجود داشت، ولی در هیچ کدام شغل ناشایستی به نام کوپن‌فروشی پدیدار نگردید. حتی در کشور ما در زمان اشغال (۲۴ - ۱۳۲۰) قند و قماش جیره‌بندی شده بود ولی کسی کوپن خود را نمی‌فروخت چون به آن نیاز داشت. اما در کشور ما، و در دوره اخیر عده‌ای مرفه‌الحال که گرانی ناشی از تورم تأثیری در زندگی‌شان نداشت و با وجود این، کوپن می‌گرفتند، آن را می‌فروختند و بدین سان شغل کاذبی به نام کوپن‌خری پدید آمد که خود قابل بحث و بررسی جامعه‌شناختی است.

۳- مرحله سوم از هنگامی آغاز شد که دولت متوجه شد ثابت نگاه داشتن مزدها و حقوق‌ها در سطح پیش از انقلاب دیگر میسر نیست و خواه‌ناخواه باید مزدها و حقوق‌ها را تا حدودی به تناسب نرخ تورم افزایش داد. اما با وجود این، توزیع یارانه به همان روش پیشین با نوآوری‌های عجیب و غریبی مانند نرخهای تعادلی و غیرتعادلی ادامه یافت. اکنون دیگر این یارانه‌دهی نه بنیاد توجیهی مانند کمیابی و تنگنای کالاها را داشت (چون بسیاری از کالاها یارانه‌ای را بلافاصله پس

INTERNATIONAL COURIER SERVICE

شرکت حمل و نقل بین‌المللی آرامکس



با پانزده سال سابقه در جهان
حمل و نقل بین‌المللی هوایی در جهان

آرامکس
ARAMEX

آدرس: خیابان فلسطین، پایین تر از میدان فلسطین، شماره ۱۵۱

تلفن: ۱۴ - ۶۴۹۳۹۱۳ - ۶۴۰۳۹۴۰ فاکس: ۶۴۰۴۳۹۶ صندوق پستی: ۱۱۹۱ - ۱۴۱۵۵ تهران - ایران

151, Felestin Ave, P.O Box, 14155 TEHRAN-IRAN Tel: 6493913 - 14, 6403940 Fax: 6404396 EMAIL: ARAMEX@WWW.DCI.CI.IR